

به یاد ابوالمشاغل

پیش شماره اول مجلهٔ **روایت ایرانی**
با شعار «در تداوم اعتلای زبان و ادب فارسی» منتشر شد

فرهنگ امروز / ۳۴



- بهمن ۱۴۰۰
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
- امیرابراهیم رسولی
- سردبیر: بهزاد
- جامه‌بزرگ
- ۱۳۲ صفحه
- ۶۰ هزار تومان

پروندهٔ اصلی شمارهٔ ۳۴ مجلهٔ «فرهنگ امروز» با تیتیر «سودای تجدد» به تأملاتی نظری-تاریخی در باب مواجههٔ ما با غرب اختصاص دارد و عکس جلد مجله هم به دکتر رضا داوری اردکانی اختصاص یافته که گفتاری از او در این پرونده منتشر شده است. علاوه بر دکتر داوری در این پرونده گفت‌وگوهایی با کریم مجتهدی، ناصر تکمیل‌همایون و بهروز فرنو هم وجود دارد.

کتاب امروز / ۴



- زمستان ۱۴۰۰
- صاحب امتیاز:
- انتشارات علمی و فرهنگی
- مدیرمسئول: نادره رضایی
- ۲۱۲ صفحه
- ۵۰ هزار تومان

داستان جلد این شماره به آنتونیو گرامشی، متفکر ایتالیایی اختصاص دارد و مناسبت پرداختن به او در این شماره انتشار کتاب «دفترهای زندان» گرامشی با ترجمهٔ حسن مرتضوی است. این مجله در هر شمارهٔ خود پرونده‌ای دربارهٔ یکی از شخصیت‌های مهم انتشارات فرانکلین یا علمی و فرهنگی منتشر می‌کند و در این شماره نوبت به نجف دریابندری رسیده که به مدت ۱۵ سال سردبیر ارشد انتشارات فرانکلین بود.

نگاه آفتاب / ۵



- پاییز و زمستان ۱۴۰۰
- صاحب امتیاز:
- مؤسسهٔ سروش مولانا
- مدیرمسئول و سردبیر: مریم موسوی
- ۹۰ هزار تومان

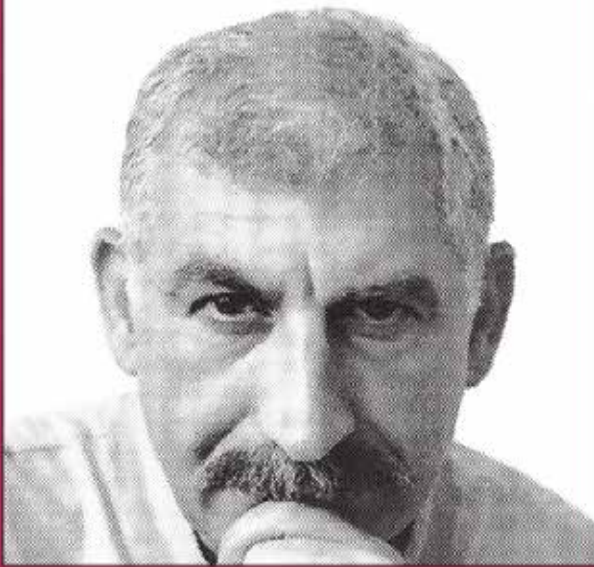
شمارهٔ پنجم فصل‌نامهٔ «نگاه آفتاب» به موضوع «عقل در عرفان و در نگاه مولوی» اختصاص دارد. در بخش «سنجه» این شماره عبدالحمید ضیایی با نگاهی انتقادی به بازخوانی جایگاه خرد فلسفی در تاریخ تفکر عرفانی پرداخته و در میزگردی عقل‌اندیشی‌های مولوی مورد واکاوی قرار گرفته شده است. بخش کارنامهٔ این شماره هم به بررسی اندیشه‌ها و آثار علامه جلال‌الدین همایی اختصاص یافته است.

پرونده‌ی ویژه

نادر ابراهیمی

بررسی آثار و تلاش‌های نادر ابراهیمی
در حفظ زبان و ادبیات فارسی

سایب‌هاشم‌پور



بانور حیم صالحی
منتقد

پیش‌شمارهٔ اول مجلهٔ «روایت ایرانی» با شعار «در تداوم اعتلای زبان و ادب فارسی» به‌تازگی منتشر شده است. صاحب امتیاز مجله حوزهٔ هنری است و محسن مومنی‌نسب و میرشمس‌الدین فلاح‌هاشمی، رئیس شورای سیاست‌گذاری و سردبیر مجله هستند. سردبیر «روایت ایرانی» در سرمقالهٔ این شماره با عنوان «روایت ایرانی در تداوم اعتلای زبان و ادب فارسی» نوشته است: «روایت ایرانی در ساده‌ترین تعریف خود گونه‌ای از روایت است که نشانه‌ها و معناهای تولیدشده از آن روایت با دلالت‌های صریح یا ضمنی؛ با اندیشه، اخلاق، فرهنگ، هنر، خانواده، معماری و ارزش‌های اجتماعی و تاریخی و... مرتبط باشد و از حکمت و معرفت ایرانی نشأت بگیرد. به دیگر سخن این که کلیهٔ وجوه روایی اثر تولیدشده با این مفاهیم رابطهٔ نهادینه داشته باشد.»

در ادامهٔ سخن سردبیر توضیح داده می‌شود منظور این نیست که تمام روایت‌ها و کلیهٔ متون تولیدشده در عصر حاضر، همان داستان‌ها و روایت‌هایی را دنبال کند که در ادبیات قدیم باشد و به نوعی به بازگشت به گذشته و تقلید از متون قدما و ادبای قرون پیش‌تر، بلکه مراد این است که روح داستان‌گویی و نقل و روایت به سرچشمه‌های روایت ایرانی که خیر و نیکی و صلاح و امیدواری و صلح‌دوستی و ارزش‌های انسانی و اجتماعی و... است، سوق داده شود: «مرادمان این نیست که در یک فضای افسانه‌ای و دور از واقعیت به روایت‌گری بپردازیم، بلکه روایت امروزین را به تناسب شکل و محتوای خود با مفاهیم و مضامین ایرانی که در متن روایت ایرانی نهفته است، نزدیک کنیم و آثار غنی ایرانی را که طی قرن‌ها ارائه شده مطمح نظر داشته باشیم؛ به‌طور مثال در شاهنامهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی از زیباترین خصال انسانی مانند: خرد و تعقل، عدالت، عشق، نوع‌دوستی، وطن‌دوستی، مبارزه و... مکرر نام برده شده و مقصد و ماوای نهایی داستان‌های شاهنامه هم به سمت و سوی همین ارزش‌هاست. حال می‌توان در دام‌های اجتماعی یا انیمیشن‌ها و حتی رمان‌های پلیسی امروزی به انحای

مختلف و به ضرورت طرح و داستان روایت، چه در شکل و چه در مضمون، نشانه‌ها و معناهایی از روح و شخصیت ایرانی را روایت کرد و آن‌چه را پیش از این در متون روایی ایرانی به کثرت و در گستره‌های وسیع به درازای تاریخ ایران ساخته و پرداخته شده با ضرورت و نیاز امروز هم‌ساز کرد.»

گفت‌وگو با دکتر محمدرضا سنگری از جمله مطالب مهم پیش‌شمارهٔ اول «روایت ایرانی» است. دکتر محمدرضا سنگری بیش از چند دهه است که دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی پژوهش می‌کند. او همواره به این نکته توجه داشته که ظرف رمان غرب برای مظلوف و محتوای ایرانی و اسامی ما هیچ‌گاه مناسب نبوده است. او ضمن بررسی قصص قرآنی در این گفت‌وگو، چرایی ادعای خود را شرح می‌دهد و می‌گوید: «اولین خصوصیت و ویژگی که در روایت ایرانی می‌بینیم تنوع نام و ژانر است، این تنوع نام خودش خیلی قابل تأمل و تفکر است که اصولاً در فرهنگ داستانی غرب وجود ندارد.

مثلاً قصه، حکایت، مَثَل، مَثَل، تمثیل، افسانه، خود داستان. ببینید چقدر تنوع نام داریم و بعضی همهٔ این‌ها را معادل هم می‌گیرند. در حالی که همهٔ این‌ها با هم دیگر بسیار متفاوتند. مثلاً در فرهنگ ادبی ما تمثیل زیاد داریم. در کتاب مثنوی مولانا ۳۱۹ تمثیل می‌بینید که اتفاقاً خاستگاه اصلی آن قرآن است. قرآن هم تمثیل دارد یعنی شما می‌بینید یک شبه‌قصه آورده می‌شود... خود این فهم تفاوت‌ها نیازمند بحث‌های خیلی مفصل است تا ما تفاوت تمثیل و داستان را بدانیم، تفاوت قصه و داستان را بدانیم. شما وقتی می‌گویید قصه قطعاً در قصه بحث این است که سلسله رویدادها پشت سرهم بیایند... ما وقتی قصه می‌شنویم همیشه پرسش بزرگی داریم بعدش چی؟ این بعدش چی یعنی همان قصه، مفهوم قصه دقیقاً همین است. یعنی پی در پی حادثه است؛ حادثه‌هایی که پی در پی می‌آیند. البته در فرهنگ روایت ایرانی صحبت از واقعه می‌شود. واقعه با حادثه خیلی متفاوت است. واقعه مفهوم حادثه